



رهنمود

رهنمود (۱)

بیانات آیت الله واعظ طبسی
نماینده معظم ولی فقیه
و مدیر عالی حوزه علمیه خراسان
در جمع علماء، اساتید، روحانیون و طلاب
۲۱ بهمن ۱۳۸۸



تدوین : روابط عمومی حوزه علمیه خراسان
چاپ اول : اسفند ماه ۱۳۸۸
شمارگان : ۵۰۰۰ جلد
مشهد مقدس : حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)
بست شیخ طبرسی ، جنب بنیاد پژوهش های اسلامی
آستان قدس رضوی، مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان
تلفکس : ۰۵۱۱ - ۲۰۰۸۳۱۱
Khabarna@Gmail.com





فهرست

صفحه	عنوان
۳	مقدمه
۵	انقلابی استثنایی و ماندگار
۵	پیامبر (ص) و تحول فکری جهانی
۵	مبدأ تاریخ اسلام
۶	تشکیل نظام اسلامی
۶	زیربنای فکری انقلاب اسلامی
۶	پایه توحید
۷	هویت نظام اسلامی و تهدیدها
۸	توسعه آزادی در اسلام
۸	تعامل و تعاون
۱۰	صمیمیت، ضامن وحدت
۱۱	آشوبگران خیابانی در زمرهٔ ضد انقلابند
۱۲	تلاش‌ها و چالش‌ها
۱۲	علم عامل سعادت انسان
۱۳	جایگاه بلند روحانیت و عالمان دینی
۱۴	ضرورت تعمیق بخشیدن به فهم علمی
۱۶	پاورقی





مقدمه

رهنمودها و توصیه‌های هر یک از بزرگان انقلاب اسلامی، حاصل تجربه‌های گران سنگی است که در فراز و نشیب حوادث تلخ و شیرین پس از پیروزی انقلاب تاکنون، بدست آمده است. دقت در این تجارب و فهم آنها، کلید معرفت و درک مبانی دینی - سیاسی این پدیده بزرگ قرن است و بیشتر بر طلاب جوان لازم می‌نماید تا با چشمی پرفروغ‌تر و گوش‌شنواتر و تفکری عمیق‌تر با این گونه سخنان ارتباط برقرار کنند و بر غنای سیاسی و اجتماعی خود بیفزایند.

آنچه در پی می‌آید سخنان آیت الله واعظ طبسی، نماینده معظم ولی فقیه و مدیرمحترم عالی حوزه علمیه خراسان در دیدار با علما، اساتید، روحانیون و طلاب برادر و خواهر به مناسبت دهه مبارکه فجر انقلاب اسلامی مورخ ۸۸/۱۱/۲۱ که در تالار اماکن متبرکه حرم مطهر رضوی ایراد گردیده است.

روابط عمومی





قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَرَدَّ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ (أَعْظَمِ) شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَانْبَغَصَ فِي اللَّهِ وَأَعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْأَصْغِيَاءِ»^١ وقال علي (عليه صلوات الله): «العلم بالفهم^٢ الفهم بالفطنة: الفطنة بالبصيرة»^٣

خیر مقدم عرض می کنم به همه آقایان، اساتید محترم، عالمان بزرگوار دینی و طلاب عزیز و فضلاء بزرگوار، برادران و خواهران، و از شورای هماهنگی تبلیغات و ستاد برگزار کننده مراسم بزرگداشت ایام الله دهه فجر و شورای برنامه ریزی حوزه علمیه نیز سپاسگزارم.

سلام و ادب و احترام خود را در ایام سوگواری رحلت رسول گرامی اسلام، حضرت مجتبی و حضرت رضا (علیهم السلام و صلوات الله علیهم)

تقدیم به روح مطهر و بلند آن پیامبر اعظم و پیشوایان معصوم جامعه اسلامی و شیعی ابلاغ می کنم و ایام دهه فجر انقلاب اسلامی را بزرگ می شمارم که به یقین ایام الله است. روزهایی که خدای متعال، حیات دیگری به جامعه بشری بخشید و انسانها را بیدار کرد. آنها که در این مطلب تردید داشتند، شک و تردید آنها را برطرف کرد که اگر مردم بخواهند، با خدا باشند، از خداوند استمداد کنند و راه او را

**اراده ملت ها
می تواند
سرنوشت پیروزی
را مشخص کند**

بپیمایند، اراده ملت ها بر دشمن - هر چند از نظر علمی، صنعتی و تجهیزات نظامی پیشرفته باشد - مسلط خواهد شد.

خوشبختانه امروز هم جوانان و نوجوانان که پیام انقلاب اسلامی



را به خوبی دریافت کرده‌اند، به این واقعیت رسیده‌اند که اراده ملت‌ها می‌تواند، سرنوشت پیروزی را مشخص کند. امروز، روزی نیست که با زبان زور و سلطه و از موضع قدرت طلبی و تسلط بر منابع مالی و ثروت‌های معنوی ملت‌ها با آن‌ها سخن گفت. امروز روزی است که منطق، استدلال و گفتمان اصولی می‌تواند، انسان‌ها را به مفاهمه و گفتمانی که نتیجه آن رسیدن به یک حرکت مشترک باشد، برساند.



انقلابی استثنایی و ماندگار

انقلاب اسلامی یک انقلاب استثنایی و نظامی ماندگار است و زمینه برای تسخیر فضای ذهنی جامعه بشری در آن وجود دارد، لذا حفظ این انقلاب و نظام، از اوجب واجبات است.

پیامبر (ص) و تحول فکری جهانی

دهه آخر صفر در حقیقت متعلق به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است. بعثت آن بزرگوار تأثیر شگرفی در فضای ذهنی دنیا - چه آن روز و چه امروز - برجای گذاشت. همچنانکه ولادت آن حضرت آثار و حوادث بزرگی داشت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جهان آن روز یک تحول فکری و اصولی و بنیادی در جامعه انسانی به وجود آورد و رحلت ایشان هم در عواطف مسلمانان و غیر مسلمانان تأثیر عجیبی داشت. اگر بگوییم با رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دنیا چهره غمباری به خود گرفت و فضای بسیار تاریک بر دل‌ها سنگینی کرد، این یک واقعیت است.

مبدأ تاریخ اسلام

آنچه به عنوان مبدأ تاریخ اسلامی در تاریخ ماند و ضبط گردید و دنیا نسبت به آن حساس بود و هست، هجرت پیامبر از مکه به مدینه است. چه آنکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مکه انسان‌ها





را می‌ساخت، انسان‌ها را تربیت می‌کرد. همان چیزی که ما و حوزویان از آن غافلیم. در مکه پیامبر تزکیهٔ نفس می‌کرد، روح شجاعت و مقاومت، استحکام بخشیدن به پایه‌های فکری نسل جوان، دعوت به حق و یکتاپرستی، مقاومت در راه توحید و عبور و گذشتن از جاذبه‌های مادی را با آن بیان شیوا و روح معنوی که حاکم بر آن دل مبارک و قلب شریف بود، شروع کرد. این خودسازی‌ها همه زمینه شد برای آنکه پس از هجرت در مدینه اقدام به تشکیل حکومت اسلامی و نظام اسلامی نماید.

تشکیل نظام اسلامی

هجرت از آن جهت مبدأ تاریخ اسلامی است، که زمینه‌ای برای تشکیل نظام اسلامی بود و کسانی که در تمدن جاهلیت غرق شده بودند به دنبال تشکیل چنین پدیده و استقرار یک سری مبانی اصولی، منطقی، عقلی و فکری، نجات یافتند و در پرتو حکومت اسلامی به سعادت رسیدند و پیروز شدند.

زیربنای فکری انقلاب اسلامی

اینکه می‌گوییم حفظ نظام از اوجب واجبات است، رمزش همین است که انقلاب اسلامی و پایه‌های فکری آن و مبانی و زیربنای تشکیل این نظام همان مبانی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بنیاد نهاد.

پایه توحید

توحید یک اصل فطری و در عین حال عقلی و در عین عقلی بودن، ضروری و بدیهی است. این سخن بوعلی است که اگر انسان بخواهد در مسائل بدیهی استدلال کند، بدهد خودش را از دست می‌دهد و

نظری می‌شود. لذا قرآن با زبان فطرت در توحید صحبت می‌کند. «أَفِي اللَّهِ شَكَّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۴





هر کسی به این مضمون بیاندهشده، متفکر و اندیشمند باشد یا انسان بیابانگرد، می پذیرد که این جهان خلقت با چنین نظمی نمی تواند بدون خالق و آفریدگار باشد. پس توحید یکی از محوری ترین پایه های فکری نظام اسلامی است.

مبانی دیگر فکری ما هم تقریباً همه فطری و وجدانی است. یعنی اگر انسانی در یک فضای غیر سیاسی قرار بگیرد و جو سیاست بازان و سیاست گذاران بر مغز و فکر او فشار نیاورد و سنگینی نکند اقرار می کند، تنها مکتب رهایی بخش که راه زندگی سعادت مندانه انسان را ترسیم کرده و به تصویر می کشد، اسلام و نظام اسلامی است.



هویت نظام اسلامی و تهدیدها

این همه فشار بر مردم ایران، به خاطر جوهره و ماهیت نظام اسلامی و فرهنگ پر جاذبه ی پر ثمر و مؤثر بر فکر انسان، که بر پایه این اصول استوار است می باشد. کدام مکتب است که می گوید همه سلايق آزادند؟ زندیق و ملحد هم آزاد است، ولی مشروط بر اینکه متعرض جامعه اسلامی، امت اسلامی و نظام اسلامی نشود؟ کدام مکتب است که می گوید به خدایان مشرکان ناسزا نگوئید که آنها نیز در پاسخ به شما دشنام ندهند؟ یعنی ای ملت طرفدار نظام اسلامی! شما دارای منطق هستید، شما فرهنگی دارید که دنیا بخواد یا نخواهد و از همه ابزار سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی و نظامی خود هم استفاده کند، باز هم این فرهنگ جاذبه دارد و ماندگار است و زمینه را برای یک حکومت جهانی بدون شک فراهم می کند.





امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من نمی‌پسندم چیزی را بر شما تکلیف کنم که شما با میل و رغبت آن را نپذیرید.^۵ معنای این سخن این است: این قدر ما دارای منطق و فرهنگ هستیم، زبان و بیان ما تأثیرگذار است که نیازی به تحمیل نیست. همانگونه که قرآن می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِّيَّ وَ يَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنِّيَّ»^۷. بنابراین اگر کسی در راه ضلالت و گمراهی گام بردارد، حجت بر او تمام شده است و لذا او جاهل قاصر نیست بلکه مقصر است و اگر کسی راه سعادت را انتخاب کند، او هم دارای بینه و حجت است. این اسلام و نظام اسلامی است.

توسعه آزادی در اسلام

آزادی، حقوق بشر و حق حیوانات در فرهنگ اسلام و در فکر اسلامی، با فرهنگ غرب متفاوت است، همچنان که در بحث قضاوت و بسیاری از مسایل، مبانی ما کاملاً متفاوت با مبانی غرب است، اما در عین حال یک سری تبادلات فرهنگی می‌باشد که قابل قبول است، در کجای دنیا حکومت اسلامی جز ام‌القرای اسلام و ایران اسلامی وجود دارد؟ این جمهوری اسلامی است که با همه دولت‌های اسلامی و غیر اسلامی صحبت می‌کند، مگر با چند دولت غاصب زورگوی شیطان‌صفت و دارای خبث باطن - البته رژیم، نه ملت و بعضی هر دو باهم، چون ملت هم، پشتوانه آن رژیم غاصب اشغالگر هستند - اما ما با منطق با همه صحبت می‌کنیم چرا که منطق داریم.

تعامل و تعاون

می‌شود با همه سلايق سیاسی و اختلافاتی که ما در حوزه داریم، با هم وحدت داشته باشیم. شما از نظر علمی با فلسفه ملاصدرا نظر مساعدی ندارید، در حالی که دیگران نظرشان مساعد است. این‌ها نمی‌توانند با هم بنشینند، برادرانه با هم گفتمان کنند که «وَدَّ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ شَعْبِ الْإِيمَانِ»، برای شما خاطره‌ای می‌گویم، که شنیدنی است:

در زمان حیات امام خمینی (ره) چند نفر از علمای بزرگ که من به همه آنها ارادت داشتم و دارم - و برای رفتگان از آنها، طلب





مغفرت و علو درجات می کنم - از ما وقت خواستند . البته رابط ما هم، استاد بزرگوار، مرد معنا، مرحوم آیت الله آقای میرزا جواد آقا تهرانی بودند. ایشان به بنده فرمودند: من با جمعی از آقایان پیامی داریم که به وسیله شما می خواهیم به امام برسانیم.

من اسم دو نفر را می برم. یکی خود میرزا جواد آقا و دیگری مرحوم آیت الله فلسفی و چند نفر دیگر هم که در این جلسه بودند. سخنگوی آن جلسه ظاهراً مرحوم میرزا جواد آقا یا یکی دیگر از آقایان بودند. بعد از مقدماتی، به من فرمودند: ما آمدم از



شما - حالا به تعبیر آن ها - خواهش کنیم این بار که خدمت امام مشرف شدید، این پیام ما را خدمتشان تقدیم کنید و پیام این است که ما خواهش می کنیم که ایشان تفسیر سوره حمدشان را تعطیل کنند و از صدا و سیما هم پخش نشود.

البته من با توجیه شان کاملاً آشنا بودم و افتخار می کنم که از شاگردان مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی بودم و هر چه از فلسفه می دانم، از محضر آن بزرگوار گرفتم و حساسیت ایشان را هم نسبت به مسایل فلسفی می دانستم. به هر حال فرمودند: این پیام را به امام برسانید و بگویید

علتش این است که مردم عادی، متوجه این مسایل نمی شوند و جای این بحث ها حوزه است، نه صدا و سیما. بحثمان هم یک قدری آنجا طولانی شد.

بنده با فاصله کمی در تهران خدمت امام رسیدم. حاج احمد آقا این را نقل می کرد که امام می فرمودند: من از این طبعی خوشم می آید، برای اینکه هر وقت اینجا می آید، مسایلی را مطرح می کند که به من مربوط می شود

می شود با همه سلاقی
سیاسی و اختلافاتی
که ما در حوزه
داریم، با هم وحدت
داشته باشیم



و وقت زیادی هم نمی گیرد. یعنی همه جلسه مادر ظرف ۵-۶ دقیقه تمام می شد، مگر اینکه امام بخواهند نصیحتی کنند یا دستوری صادر کنند و البته گزارش کار را واقعاً در ظرف ۵ دقیقه خدمت امام می دادم. ولی گاهی که ایشان تفقد می فرمودند، خدمتشان بودیم.



نگذاریم کسانی که می خواهند در صفوف ملت، خودشان را جا بزنند، به این وحدت و استواری و پیوند قوی بین ملت و رهبری و امامت جامعه اسلامی آسیب برسانند.



من پیام را به عرض امام رساندم، نام یکایک آقایان را هم بردم. امام در حالی که یک تبسم بسیار شیرینی بر چهره داشتند به من فرمودند: سلام من را به آقایان برسانید و بگویید این سخنان نه زمین را به آسمان می برد و نه آسمان را به زمین می آورد و ضمناً اضافه کنید که ملاصدرا معاد جسمانی را اثبات کرد، نه آنکه منکر معاد جسمانی باشد. این هم پیام امام بود، عین این پیام را بنده رساندم.

این را هم اضافه کنم یک شبی با مرحوم میرزا جواد آقا در اتاقی مشغول صحبت بودیم. یک مرتبه ایشان با یک حالت اضطرابی فرمودند: من از شما عذرخواهی می کنم. گفتم برای چی آقا میرزا؟ فرمودند: من نمی دانستم که پشتم به عکس امام است. چون پشت سر ایشان عکس امام بود، برگشتند. گفتم آقای میرزا، شما استاد و معلم اخلاق ما هستید، ما به شما ارادت داریم، ما که شما را می شناسیم. طرز فکر و اعتقاد علمی این است، اما در عمل ببینید. بعد خود ایشان فرمودند: من علی رغم اختلاف فکری که با علامه طباطبایی دارم، اما ایشان وقتی به مشهد آمد، من در کنارشان حرکت می کردم.

صمیمیت، ضامن وحدت

با محبت، صمیمیت، منطق، برادری و حفظ بزرگواری استاد و شاگرد، معلم اخلاق و مرتبی می توان این ضوابط را صمیمی کرد و این وحدت و انسجام امت اسلامی را حفظ کرد. نگذاریم کسانی که می خواهند در صفوف ملت، خودشان را جا بزنند، به این وحدت و استواری و پیوند قوی بین ملت و رهبری و امامت جامعه اسلامی آسیب برسانند، می توانیم این کارها را بکنیم.





آشوبگران خیابانی در زمرهٔ ضد انقلابند

اگر تا روزهای قبل، ما جریانات را به دو یا سه دسته آگاه، ناآگاه، معترض و محل امنیت جامعه تقسیم می کردیم، امروز بنده صریحاً عرض می کنم، هر کس به عنوان معترض در حرکت های جنبی جمعی خیابانی شرکت کند و با شعارهایی که بیانگر میزان و مبلغ اعتراض اوست، این ها امروز، دیگر در زمره معترضین محسوب نمی شوند، بلکه ضد انقلابند و در برابر امنیت جامعه خودشان را قرار داده اند.

امروز هیچ کس نیست که متوجه نشده باشد، حرکت های بعد از انتخابات، در دستگاه های اطلاعاتی بیگانه سازماندهی شده است. رهبر و امام جامعه اسلامی، قانونگذاران و پایه گذاران نظام اسلامی مسایل را شفاف برای شما بیان کردند، چه حرف حسابی دارید؟ مگر شما نمی دانید ملتبه کردن فضا و امنیت جامعه یک حرکت ضد انقلابی و خدمت به دشمن است؟! بنابراین روحانی و غیر روحانی، امروز نمی تواند ادعا کند من برای گرفتن حق قانونی خودم فریاد می زنم. قانون حق قانونی افراد را مشخص کرده است؛ رهبر سخن آخر را باید بگوید و گفته است؛ جامعه اسلامی و امت اسلامی نگاهش باید به سیاست های اصولی رهبری باشد؛ این سیاست ها ترسیم و بیان شده است و بر دانشمند، متفکر، عوام و بر همه اتمام حجت شده است.

امروز حرکت های خیابانی به چه مفهوم و معنایی است؟ خواهیم دید که ملت منسجم و یکپارچه ما، این ملت برخوردار از ایمان عمیق به پایه های نظام اسلامی و رهبری نظام و امامت جامعه اسلامی، در بزرگ ترین مانور سیاسی و راهپیمایی عظیم ملت ایران در ۲۲ بهمن، چه نمایی را در برابر چشمان دشمن و دوست خواهد گذاشت.





تلاش‌ها و چالش‌ها

انقلاب در این ۳۱ سال کم کار نکرده است. من بارها گفته‌ام، اگر این تزاخم‌ها و تضادها و اصطکاکات سیاسی بر مردم تحمیل نمی‌شد، چندین برابر این می‌توانستیم کار کنیم. بالاخره در یک دوره بنی‌صدر و دولت موقت بود و بعد هم مسایل دیگری که تا امروز نیز ادامه دارد. در این اختلافات سیاسی و نظرات مختلف و دیدگاه‌ها، عده‌ای حذف می‌شوند و عده‌ای به کار گرفته می‌شوند؛ آن‌هایی که حذف می‌شوند، نباید بشوند و آن‌هایی که به کار گرفته می‌شوند، نباید به کار گرفته شوند، این‌ها مشکلات است. اما در کنار این، خیلی کار شده است.



آنقدر مسأله هسته‌ای و بحث سلول‌های بنیادی را مطرح کردیم، که از اهمیت آن کاسته شده است. این مسأله خیلی کار بزرگی است. امروز دنیا بخواهد یا نخواهد، بالاخره باید اعتراف کند که ایران اسلامی یک کشور اتمی است. نمی‌گویم ما بمب اتم داریم، اما این علم و تکنولوژی در اختیار ماست. اگر تمام منابع غنی‌سازی را دنیا بر ما تحریم کند، ما می‌توانیم به آنچه که دنیا از او هراس دارد برسیم، ولی این را نمی‌خواهیم.

علم عامل سعادت انسان

ما می‌خواهیم از علم برای ملت خود و برای دیگر ملت‌های دنیا استفاده کنیم. ما می‌خواهیم نشان دهیم که علم ابزاری برای رشد، پیشرفت و تعالی ملت‌ها است. علم نباید وسیله‌ای برای ضربه زدن به اعتمادها، خود اتکایی‌ها، غارتگری منابع ثروت ملت‌ها، فشار بر جامعه جهانی و قدرت‌طلبی و ظلم و ستم بر جامعه بشری باشد. این را می‌خواهیم اثبات کنیم و اثبات کردیم و رسیدن به بمب





اتمی یا کلاهک‌های هسته‌ای را وسیله‌ای برای پیروزی نمی‌دانیم. ما معتقدیم بدون داشتن سلاح مجهز و مدرن، با پشتوانه ملتی بزرگ، هوشمند، فطن - زیرک - و بصیر می‌توانیم، همچنان که امروز همین طور است.



کدام کشور از این عزت و از این استقلال برخوردار است. من تعجب می‌کنم از کسانی که به بعضی از کشورهای اروپایی برای تبلیغ می‌روند، عمامه‌شان را بر می‌دارند. بنده با همین لباس و با همین قیافه، البته چند سال قبل - شاید ۱۵ یا ۱۷ سال قبل - به چند کشور رفتم. این قدر به این عمامه و لباس احترام می‌گذارند. بسیاری از این مسیحی‌ها ما را می‌دیدند، می‌گفتند خمینی خمینی. خیلی این ملت و به خصوص این لباس و حوزه‌های علمیه، در برابر چشم و ذهنیت دیگران بزرگ است؛ حوزه دارای جایگاه و منزلت قوی خودش است. دولت‌ها باید بدانند که اگر در برابر حوزه، روحانیت، مرجعیت و علمای دینی برخوردی متواضعانه نداشته باشند، سقوط آن‌ها نزدیک است.

جایگاه بلند روحانیت و عالمان دینی

قبل از انقلاب چند جریان، مبارزه سیاسی می‌کردند. نهضت آزادی، جبهه ملی، حزب توده، فدائیان خلق و حزب زحمت‌کش، کدامشان توانستند رژیم شاه را ساقط کنند؟ آن‌ها که برخاست و قدر و منزلت دین و جامعه روحانیت را نشان داد و اینکه ما می‌توانیم با تکیه بر قوانین اسلامی، دنیا و جهان را اداره کنیم، روحانیت بود و در رأس آن امام راحل (رضوان الله تعالی علیه)، مؤسس و بنیانگذار جمهوری اسلامی بود.

در مراسمی که در سرخس داشتیم و سران اکو در آنجا دعوت





بودند، آقای شواردناده وزیر امور خارجه شوروی که بعد از سقوط این کشور با امام ملاقات داشت و حامل پاسخ گورباچف به امام بود، با جناب آقای هاشمی رفسنجانی در حال مذاکره بود. من که آمدم، ایشان به تمام قد برخاست. به بنده گفت من - با یک حالی - آن خاطره دیدار با امام را هرگز فراموش نمی کنم. در آن دیدار امام دنیای ماتریالیستی را تحقیر کرد و

بسیاری از مواقع که خدمت امام می رفتیم، ایشان توصیه می کردند هوای حوزه را داشته باشید و مراقب آن باشید.

اسلام و مکتب فکری اسلام را به رخ کشید. امروز آن شخصیت سیاسی بزرگ روسیه و شوروی سابق - آقای گورباچف - هنوز در برابر آن پیام امام احساس کوچکی می کند. این است جایگاه روحانیت.

در نهایت ما باید بدانیم که برای حفظ این جایگاه چه کار باید بکنیم. بسیاری از مواقع که خدمت امام می رفتیم، ایشان توصیه می کردند هوای حوزه را داشته باشید و مراقب آن باشید.

ضرورت تعمیق بخشیدن به فهم علمی

برادران من! با حفظ چند اصطلاح برای انسان هایی که دارای حافظه خوب هستند، علم حاصل نمی شود. علم در همه شاخه ها اعم از فقه، اصول، فلسفه و... نیاز به فهمیدن، درک کردن و رسیدن به عمق مطلب دارد. البته نیازمند به استعداد و تیزهوشی هم است، اما رسیدن به تیزهوشی، نیاز به بصیرت و روشنائی و پاکی دل دارد که تقوا، اخلاق و تربیت و تاسی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و زندگی، فکر و رفتار او چنین زمینه ای را فراهم می کند، حواسمان جمع باشد.

شیخ انصاری - که مکاسب و رسائل او، اعجاز، شق القمر و واقعا مهم است - آن روزی که رسائل و مکاسب را نوشت، می شود گفت شیخ نوآوری و تولید علم کرد؛ اما پس از آن تولید علمی ما ندیدیم، حتی نائینی ها و دیگر بزرگان از مراجع، همه و همه بسیاری از مبانی شان متأثر از مبانی شیخ است. از حوزه انتظار فهم و بصیرت، دقت، عمیق شدن در مسائل و برخورداری از معنویت و اخلاق و همچنین تأثیر گذاری فکر، رفتار و کردار او در جامعه است.





این اختلافات سیاسی نباید حوزه را بشکند و در آن نفوذ کند. شما هر کدامتان استاد اخلاق هستید و مربی جامعه محسوب می شوید، باید برداشت و یافته هایتان را از زندگی رسول خدا و ائمه معصومین (علیهم السلام) با فکر سالم به جامعه منتقل کنید و خودتان را در برابر این ملت و ملت ها مسؤول بدانید.

وظیفه ما در جهان امروز بسیار سنگین است و لازمه آن توجه، بصیرت، تلاش و کار، توسلات، استمداد از خداوند و برقراری ارتباط معنوی قوی با اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

من معتقدم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی باید یکی از بزرگ ترین اعیاد اسلامی و شیعی محسوب شود. ما این روز را بزرگ می داریم و از خداوند استمداد می کنیم برای این که بتوانیم وظایفی را که در برابر این نظام مقدس و امت اسلامی بر عهده داریم به خوبی انجام دهیم.

امیدوارم همه دستگاه های اجرایی کشور، برنامه ریزان، سیاست گذاران و مدیران اجرایی بدانند که مردم ما نسبت به اسلام و مبانی و پایه های فکری انقلاب اسلامی حساس اند. حرفی نزنید و جریانی را به تصویر نکشید که فریاد این ملت بر آید. حریم ها و شوؤن یکدیگر را رعایت کنید تا حرکتی منطقی و در عین حال استوار را با کمک خدای متعال ان شاء الله دنبال کنیم.

و السلام علیکم و رحمه الله





پاورقی:

- ۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۸.
- ۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۰.
- ۳- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۴۸.
- ۴- سوره ابراهیم، آیه ۱۰.
- ۵- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۸؛ لَيْسَ لِي أَنْ أَحْمِلُكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ.
- ۶- سوره بقره، آیه ۲۵۶.
- ۷- سوره انفال، آیه ۴۲.

